

فهرست و چندگونگی آن

محسن ناجی نصرآبادی

واژه فهرست در لغت دارای معانی گوناگونی است و اندیشمندان علم لغت از آن تعاریفی ارائه نموده اند که شمول و جامعیت این کلمه را می‌رساند. فیروزآبادی بر این باور است که «الفهرس هو الكتاب الذی تجمع فیہ الکتب»؛^۱ فهرست عبارت از کتابی است که در آن مؤلف به اسامی و نام‌های کتاب‌ها اشاره می‌کند. تعبیر خوارزمی در *مفاتیح العلوم* آن است که فهرست صورت کارها و دفاتری است که به دیوان مربوط می‌شود و گاهی برای ذکر دیگر چیزها استعمال می‌گردد.^۲

گروه دیگری آن را در بر دارنده جدولی شامل ابواب و فصول کتاب می‌دانند که جاییش در آغازین بخش کتاب یا در آخرین قسمت آن است. این معنا امروز تداول بیشتری پیدا کرده است. اما هنگامی که کلمه فهرست در مقابل گروه آشنا با نسخه‌های خطی و کتاب‌شناسان اهل فن به کار می‌رود، آنچه در آغاز به ذهن متبادر می‌شود، همان معنای مورد نظر فیروزآبادی در قاموس است که به مرور زمان با تحول و دگرگونی‌های شرقی و غربی بار معنایی آن پختگی و کمال یافته. در این مقاله ما نیز فهرست را کتاب و رساله‌ای می‌دانیم که در آن به اسامی کتاب‌ها، رساله‌ها، مؤلفان، و دیگر مشخصات کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی اشاره می‌شود. از این دیدگاه برای فهرست، اشکال و مشتقات چندی می‌توان جست که در ذیل به آن می‌پردازیم:

الف) فهرست آثار یک کتابخانه

بدین معنا که فهرست در بر دارنده اسامی تمامی کتاب‌ها و مؤلفان یک کتابخانه است. این کتابخانه می‌تواند دولتی یا

شخصی باشد. برای یافتن سابقه این نوع فهرست‌ها می‌توان تاریخچه کتابخانه‌ها را دنبال کرد؛ چرا که با تشکیل یک کتابخانه، نخستین ابزار جستجوی اطلاعات و مدارک در آن وجود فهرستی جامع و مانع است تا اطلاعات را براحتی در اختیار مراجعه‌کننده قرار دهد. بنابراین سرآغاز تدوین این فهرس را باید به زمان ایجاد اولین کتابخانه‌ها رساند.

به طور قطع می‌توان ادعا کرد که چنین فهرستی در کتابخانه آشوربانی‌پال در نینوا وجود داشته است.^۳ و پس از آن در یونان، مصر و ایران پیش از اسلام این امر رواج بیشتر پیدا می‌کند. پس از اسلام، کتابخانه مأمون عباسی به عنوان یک کتابخانه بزرگ در زمان خلافت عباسیان مورد استفاده اندیشمندان قرار گرفته و وجود چنین کتابخانه‌ای با آن عظمت، بدون بهره‌گیری از فهرست ممکن نخواهد بود. ابن مسکویه در *جاویدان خرد* به نقل از ابوعثمان جاحظ گزارش این فهرست را چنین می‌دهد:

روزی مأمون به من [فضل بن سهل] گفت که می‌دانی که کدام کتاب از کتاب‌های عرب معتبرتر و بهتر است؟ گفت: من شروع کردم و کتاب‌های مغازی را و جنگ‌های خلفا که با دشمنان دین کرده‌اند، شمردم و کتاب‌های تاریخ را نیز برشمردم تا به تفسیر قرآن رسیدم، چون نام تفسیر قرآن بردم، مأمون گفت که قرآن کلام الله تعالی و سخن آن حضرت است، لاجرم هیچ چیز به آن شبیه نیست. بعد از آن گفت که کدام کتاب از کتاب‌های عجم بهتر و معتبرتر است؟ گفت: بسیاری از آنها را نام بردم و بعد از همه گفتم که *جاویدان خرد*.

بعد از آن مأمون فهرست کتب خود را طلبید و بالا و پایین را دید و نام *جاویدان خرد* را در آن فهرست نیافت. بعد از آن گفت که نام *جاویدان خرد* از

۱. قاموس المحيط، ص ۳۴۷.

۲. حسین خدیو جم، ترجمه مفاتیح العلوم، ص ۶۰.

۳. برای اطلاعات بیشتر، ر. ک: لارا آرکس «کتابخانه آشوربانی‌پال» ترجمه رکن‌الدین احمدی لاری: مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ش ۱۷، ص ۷۹-۹۶.

بسیار است و قابل تأمل. در یک تقسیم بندی برای این فهرست دو صورت می توان تصور کرد:

۱) مؤلف در هنگام ذکر سرگذشتنامه، پس از پرداختن به شرح احوال و سرگذشت شخص مورد نظر، آثار و نگاهشته های وی را ذکر می کند و فهرستی ارائه می دهد. باید دانست که در این شیوه، تکیه کلام مؤلف بیشتر به زندگی و بیان حالات و احوال نویسندگان است تا بررسی کتاب شناسی آنها. تمامی کتاب های سرگذشتنامه ای و رجالی در این قسمت قرار می گیرد. این ندیم در ترتیب کتاب های ارسطو در منطقیات و طبیعیات، الهیات و خلقیات سخن گفته و برخی از آنها را در **الفهرست** ذکر می کند.

۲) مؤلف یا فهرست نویس به آثار و نگاهشته های یک تن به تنهایی اشاره می کند. در این اثر جنبه کتاب شناسی و نسخه شناسی بیشتر مد نظر است تا طرح مسأله سرگذشتنامه افراد. او به دنبال آن است که به طور صریح و روشن آثار و نگاهشته های آن بزرگ را برای اهل فن و دانش بیان کند. شاید نخستین اطلاعاتی که در این زمینه در دست است مربوط به یونان باستان باشد. ثاون اسکندرانی، تألیفات و آثار افلاطون (۳۴۷-۴۲۷ ق. م.) را تدوین می کند و بسیاری از نگاهشته های او را برمی شمرد.^۷

نگاشتن فهرست آثار دیگران، در تمدن اسلامی نیز سابقه ای دراز دارد. مدائنی، ابوالحسن علی بن محمد بن عبدالله بن ابویوسف (۱۳۵-۲۱۵ ق) برده و غلام سمرة بن جندب (۴) از متکلمان سده دوم و سوم هجری است. ابوالحسن بن کوفی، فهرستی از آثار او را ذکر می کند و ابن ندیم از روی نوشته وی آثار مدائنی را می آورد:

و از کتابهای آنچه را که از روی نوشته ابوالحسن بن کوفی به یاد دارم این است: در اخبار پیغمبر صلعم: کتاب امهات النبی صلعم، کتاب صفة النبی صلعم، کتاب اخبار المنافقین. کتاب عقود النبی صلعم. کتاب تسمیة المنافقین و من نزل فی القرآن منهم و غیرهم.^۸

جنید بن محمد نعیم مکتبی به ابواحمد، در نامه ای به ابوالحسن علی بن محمد علوی، تصانیف و نگاهشته های ابونصر

فهرست [افتاده است]. گفتم که این جاویدان خرد همان کتاب است که ذویان دارد و من بعضی از آن را کتابت کرده ام و نوشته ام. گفت: که همین ساعت آن را بیار که ببینم.^۴

ابو عبدالله محمد بن احمد مقدسی در بیان سرای ساخته شده در زمان حکومت عضدالدوله دیلمی می گوید:

یک کتابخانه جدا نیز دارد که زیر نظر یک سرپرست و یک کتابدار و یک ناظر از نیکوکاران شهر اداره می شود. هیچ کتابی نیست که تاکنون در دانش های گوناگون تصنیف شده باشد، مگر نسخه اش بدانجا آورده است. وی اینجا را به صورت دالان های سرپوشیده و یک سالن بزرگ ساخته که انبارهای کتاب در اطراف آنهاست. به دیواره انبارها و دالان ها اطاقک هایی دارند و هر یک با کشویی از بالا به پایین بسته می شود. دفترها از هر نوع در یک رف ویژه چیده شده است. فهرست هایی نیز دارد که نام کتاب ها در آن روشن شده است.^۵

از این گونه فهرست ها برای بسیاری از کتابخانه ها فراهم آمده، کتابخانه صاحب بن عباد، کتابخانه نوح بن منصور سامانی از آن جمله اند.

افزون بر فهرست های کتابخانه های حکومتی و دولتی، گاهی شخصی عالم و دانشمند برای همه موجودی کتابخانه خویش فهرست تهیه می کرده تا امکان بهره وری از آن سهل تر شود و هم اینکه با مرتب کردن و زدن مهر بر آنها در نگهداری و حفاظت از کتاب ها اهتمام بیشتری به عمل آید. رضی الدین ابوالقاسم علی بن موسی معروف به ابن طاووس (۵۸۹ق-۶۶۴) در کتاب **گرانقدر سعدالسعود** به تعدادی از کتاب های خویش در زمینه علوم قرآنی - که وقف اولاد ذکورش کرده - اشاره می کند. وی در مقدمه کتاب می نویسد: چون در کتاب **الابانة فی معرفة أسماء کتب الخزانة** تنها به نام کتاب های خویش پرداختم، در اینجا، توضیح بیشتری در خصوص آنها می دهم. آنگاه به کتاب شناسی و نسخه شناسی کتاب های خویش می پردازد و اطلاعات ارزشمندی ارائه می دهد.

ب) فهرست دیگر نوشت

این عنوان بر آثاری اطلاق می شود که در آن یکی از اهل فضل و دانش، سیاهه ای از آثار و نگاهشته های یکی از بزرگان علم و دانش را فراهم می آورد و در ضمن آن به جزئیات و ویژگی های نوشته های او می پردازد. قدمت و روایی این گونه فهرست ها

۴. ابن مسکویه، جاویدان خرد، ترجمه تقی الدین شوشتری، ص ۳۷.

۵. احسن التقاسیم، ترجمه علی نقی منزوی، ص ۶۶۹.

۶. سعد السعود، ص ۴.

۷. ابن ندیم، الفهرست، ص ۴۴۹.

۸. همانجا، ص ۱۶۸.

محمد بن مسعود عیاشی (ف ۳۲۰ق) - از فقهای بزرگ امامیه - را گردآوری می‌کند. وی در آخر نامه به این مطلب اشاره می‌کند که جامع آثار عیاشی بیست و هفت کتاب از تألیفات عیاشی را در فهرست نیآورده و من آنها را بر فهرست او می‌افزایم و تعداد این آثار را به ۲۰۸ جلد کتاب و رساله می‌رساند. ابن ندیم فهرست آثار عیاشی را به نقل از آن نامه، در الفهرست می‌آورد.^۹ شیخ طوسی در الفهرست خودش عیناً منقولات ابن ندیم را ذکر می‌کند.^{۱۰}

ابوریحان بیرونی (۳۶۲ق - ۴۴۰) از بزرگترین دانشمندان جهان اسلام در سده چهارم و پنجم هجری است. وی در رساله‌ای با عنوان رساله ابی‌ریحان فی فهرست کتب الرازی به بررسی و بیان کتاب‌های محمد بن ذکریای رازی می‌پردازد. وی آثار رازی را در موضوعات ذیل طبقه‌بندی و فهرست می‌کند: پزشکی (۵۶ عنوان)، طبیعیات (۳۳ عنوان)، منطقیات (۷ عنوان)، ریاضیات و نجومیات (۱۰ عنوان)، تفاسیر و تلخیص‌ها و اختصارات (۷ عنوان)، فلسفی و تخمینی (۱۷ عنوان)، مافوق‌الطبیعه (۶ عنوان)، الهیات (۱۴ عنوان)، کیمیایات (۲۲ عنوان)، کفريات (۲ عنوان) و فنون مختلف (۱۰ عنوان).

ابوریحان پس از ذکر کتاب‌های رازی، به کتاب‌های خود می‌پردازد که در فهرست خود نوشت به آن خواهیم پرداخت. محمد ابن ابی بکر بن قیّم مشهور به ابن قیّم جوزیه (۶۹۱ق - ۷۵۱) فهرستی از کتاب‌ها و رساله‌های ابن تیمیه (متوفای ۲۸۰ق) فراهم ساخته و تعداد آثار وی را تا به ۳۴۱ عنوان کتاب و رساله می‌رساند. این فهرست به سال ۱۹۵۳ در دمشق به چاپ رسیده است.

یوسف ترکمن بن جوزی معروف به سبط ابن جوزی (۵۷۲-۶۵۴ق) در کتاب مرآةالزمان، فهرست آثار تألیف شده عبدالرحمن بن جوزی (۵۱۰-۵۹۲ق) را دوپست و پنجاه عنوان ذکر می‌کند. این فهرست توسط گریس عواد در مجله المجمع العلمی العربی شماره ۲۹-۳۰ در دمشق چاپ شده است.

فهرست و سیاهه آثار جلال‌الدین عبدالرحمن سیوطی (۸۴۹-۹۱۱ق) به وسیله شخصی گمنام جمع‌آوری می‌شود. وی پانصد و چهار عنوان از کتاب‌ها و رساله‌های سیوطی را بیان می‌کند. این فهرست به کوشش فلوگل در پایان کشف الظنون حاجی خلیفه در جلد ششم، ص ۶۶۵-۶۶۷ آمده است. برای آثار علامه ملا محمد باقر مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۰ق) دو فهرست دیگر نوشت فراهم آمده است. نخست: توسط محمد نصیر بن عبدالله مجلسی - برادرزاده وی - این فهرست در

دو بخش است، الف) کتاب‌های عربی مجلسی ب) کتاب‌های فارسی وی. صاحب‌الذریعه منقولاتی از این فهرست را در نگارش‌های دیگران رؤیت کرده است.^{۱۱} دو دیگر، فهرستی که به اهتمام محمد حسین بن محمد صالح از نوادگان مجلسی در دو فصل و یک خاتمه تدوین شده است. فصل اول: کتاب‌های عربی شامل ده کتاب. فصل دوم: کتاب‌های فارسی، در بر دارنده چهل و نه کتاب. خاتمه: در شمار ابیات تألیفات و آثار مجلسی در فارسی و عربی. این فهرست یک بار در مجله دانشکده ادبیات تهران سال دهم، شماره دوم، ص ۲۰۳-۲۱۰ چاپ شده و بار دیگر در کتابشناسی مجلسی به کوشش حسین درگاهی و علی اکبر تلافی داریانی.

ج) فهرست خودنوشت

فهرست خودنوشت به فهرستی گفته می‌شود که به وسیله خود صاحب اثر فراهم آید و در آن به اجمال یا تفصیل به مشخصات کتاب‌شناسی آثار اشارت شود. بصراحت می‌توان گفت که ساخت چنین فهرست‌هایی در تمدن کهن و درخشان یونان سابقه داشته است. جالینوس طبیب (۱۳۱-۲۱۰م) مجموعه آثار خودش را در ضمن کتابی به نام فینکس فراهم آورده. این کتاب شامل دو مقاله است که در مقاله اول، کتاب‌های طبی و در مقاله دوم کتاب‌های منطقی، فلسفی، بلاغی و نحوی خودش را یاد می‌کند. وی آنگاه به توصیف کتاب‌هایش می‌پردازد و مقصود و داعی خویش از تألیف را بیان می‌کند و افزون بر آن به سن و سال خود در زمان تألیف، کسی که کتاب به او تقدیم شده را بازگو می‌نماید.^{۱۲} حنین بن اسحاق (۱۹۴-۲۶۰ق) مقاله‌ای به سریانی دارد و در آن به آثار دیگر جالینوس که در فهرست جالینوس نیامده اشاره می‌کند.^{۱۳}

حنین ابن اسحاق در ضمن همین رساله ارزشمند به بسیاری از ترجمه‌های خویش از آثار جالینوس توجه می‌دهد. در این دوره، بسیاری از کتاب‌ها و رساله‌هایی که از یونانی به سریانی و عربی ترجمه شده، از آن حنین می‌دانند. ابن ندیم بر این باور است که این مطلب از خوشبختی‌های حنین است که هر چه حبیش بن حسن اعسم، عیسی بن یحیی و دیگران ترجمه

۹. الفهرست، ص ۳۶۱.

۱۰. طوسی، الفهرست، ص ۱۳۷.

۱۱. آقابزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۱۶، ص ۳۸۰.

۱۲. رساله حنین بن اسحاق درباره آثار ترجمه شده از جالینوس در مجموعه متون و مقالات در تاریخ و اخلاق پزشکی در اسلام و ایران، ص ۲۱۷.

۱۳. همانجا.

بوالقاسم قمی به همه کتاب‌هایی که تألیف کرده اشاره می‌کند.^{۱۷}

یکی از نویسندگان دانشمند اسماعیلی مذهب، عبدان اسماعیلی است. ابن ندیم در بخش نویسندگان و صاحب نظران اسماعیلی می‌نویسد:

عبدان که در پیش گفته شد از همه بیشتر کتاب تصنیف کرد و دیگران هم اگر تصنیفی داشتند به او نسبت می‌دادند. فهرستی از تصنیفات خود دارد که از آن جمله است: کتاب الرحا و الدولاب، کتاب الحدود و الاستاد، کتاب اللامع، کتاب الزاهر، کتاب الميدان.

ابن ندیم فهرست آثار عبدان را ندیده و کسی را سراغ نداشته که از محتویات آن فهرست آگاه باشد.^{۱۸} سزگین بر این باور است که نسخه‌ای از فهرست عبدان در سده هفتم هجری در تملک خواجه نصیرالدین طوسی بوده است.^{۱۹}

از دیگر فهرست‌های خودنوشت می‌توان فهرست آثار عثمان بن جنی معروف به ابن جنی (۳۳۰-۳۹۲ق) است. وی در ضمن اجازه‌ای که به ابی عبدالله می‌دهد به فهرست آثارش اشاره می‌کند. یاقوت حموی در شرح سرگذشت ابن جنی متن این اجازه را عیناً نقل می‌کند:

قد اجزت للشيخ ابی عبدالله الحسين بن احمد بن نصر - ادام الله عزه - ان يروى عنى مصنفاتى و كتبى مما صححه و ضبطه عليه ابو احمد عبدالسلام بن الحسين البصرى - ايد الله عزه -: عنده منها كتابى الموسوم بالخصائص و حجه الف ورقة و كتابى التمام فى تفسير اشعار هذيل مما اغفله ابوسعيد الحسن بن الحسين السكرى - رحمه الله - و حجه خمسمائة ورقة بل يزيد على ذلك و كتابى فى سر الصناعة و هو ستمائة ورقة و كتابى فى تفسير تصريف ابى عثمان بكر بن محمد ابن بقيه المازنى و حجه خمسمائة ورقة، و كتابى فى شرح مستغلق آيات الحماسة و اشتقاق اسماء شعرائها و مقداره خمسمائة ورقة ...

۱۴. الفهرست، ص ۶۳۹-۶۴۰.

۱۵. همان، ص ۳۹۷-۳۹۸.

۱۶. مجمع الرجال، ص ۱۷۴/۵؛ الذريعة، ۱۶/۳۷۴.

۱۷. طوسی، الفهرست، ص ۷۵.

۱۸. الفهرست (ابن ندیم)، ص ۳۵۳.

۱۹. تاریخ التراث العربی، ۷/۱۲۳.

کرده‌اند به حنین نسبت داده می‌شود. اما با به دست آمدن این رساله بسیاری از این مجهولات روشن می‌شود و مترجم این رساله‌های منسوب به وضوح و صراحت بیان می‌شود. برای نمونه حنین در ذیل کتاب کتاب فی العضل می‌نویسد: که حبیش بن الحسن آن را برای محمد بن موسی به زبان عربی ترجمه کرده است، همچنین کتاب‌های فی تدبیر الملطف فی الذبول از عیسی بن یحیی است.

جابر بن حیان بن عبدالله کوفی از دانشمندان سده دوم هجری، مصاحب و شاگرد امام جعفر صادق (ع) است. وی برای آثارش در موضوعات کیمیا و دیگر علوم فهرست مفصلی فراهم می‌آورد و افزون بر آن، فهرست موضوعی مختصری برای نگاشته‌های علم کیمیای خود تدوین می‌نماید. ابن ندیم این فهرست را دیده و از آن بهره برده است. وی در شرح احوال و آثار جابر می‌گوید:

محمد بن اسحاق گوید: جابر در کتاب فهرست خود گوید: پس از این کتاب‌ها، سی رساله تألیف کردم که بی نام است و سپس چهار مقاله تألیف کردم که اینهاست: کتاب الطیبة الفاعلة الاولى و هی النار، کتاب الطیبة الثانية الجامدة و هی الماء، کتاب الطیبة المنفصلة اليابسة و هی الارض، کتاب الطیبة الرابعة المنفصلة الرطبة و هی الهواء ... پس از این چهار کتابی تألیف کرده‌ام، به این ترتیب کتاب الزهرة، کتاب السلوة، کتاب الکامل و کتاب الحیوة.^{۱۴}

ابوسلیمان داود بن علی اصفهانی (ف. ۲۷۰ق) از فقهای نامدار سده سوم هجری است به گفته ابن ندیم، وی مردی با فضل، صادق و پرهیزگار بود و اول کسی است که قول به ظاهر کتاب و سنت را گرفته و جز آن را از رأی و قیاس رها کرد. از نگاشته‌های علی بن داود، فهرستی بسیار قدیمی به خط محمود مروزی به دست ابن ندیم می‌رسد که او تمام آن را در الفهرست می‌گنجاند. وی بر این عقیده است که این فهرست را در زمان خود داود بن علی نوشته شده است.^{۱۵}

ابن بطه، محمد بن جعفر قمی، وی روایت زیادی از احمد برقی دارد. از نگاشته‌های وی فهرستی است که از آثارش در آن نام می‌برد. قهپایی معتقد است که این فهرست که از آثار او ارائه شده، دارای اشکالاتی است.^{۱۶}

سعد بن عبدالله قمی مکتبی به ابوالقاسم از بزرگان فقها و محدثان نام آور سده سوم هجری است وی دارای تألیفات زیادی، همچون کتاب الرحمة، کتاب الحج، کتاب الضیاء فی الامامة، کتاب مقالات الامامیه و ... است. در این فهرست

ابن جتی به همه آثار و نگاهشته های خویش در این اجازه اشاره می کند و به اختصار به موضوع و حجم آن می پردازد.

ابوریحان بیرونی در ادامه فهرستی که از آثار رازی ارائه می دهد، به آوردن جملات زیر به فهرست خودنوشت آثارش می پردازد و سیاهه ای از صدوسه نگاهشته خود بیان می کند:

و چنانکه سخن خود را با کتاب های ابوبکر [رازی] آغاز کردم آن را با نام های کتاب های خود که وقتی از من خواسته بودی ختم می کنم. آن کتاب هایی که تا سال چهارصد و بیست و هفت نوشته ام که از عمرم شصت و پنج سال قمری و شصت و سه سال شمسی می گذرد و تعجب نمی کنم که تاویل رویای من راست بیاید هر چند که حرص من بر آن راست نیامده است.^{۲۰}

این فهرست به سال ۱۹۳۶ م. توسط خاورشناس معروف پول کراوس در پاریس از روی نسخه منحصر به فرد کتابخانه لیدن به شماره فهرست 133 چاپ شد. پیش از آن به سال ۱۹۲۰ م. ویدمان آلمانی قسمت مربوط به آثار بیرونی را به زبان آلمانی مورد تجزیه و تحلیل قرار داد، و دوسکا به سال ۱۹۲۵ م. پاره ای از آن کتاب را که مربوط به آثار رازی بود به زبان آلمانی برگرداند. زاخائو فهرست آثار بیرونی را در مقدمه کتاب آثار الباقیه آورد. اندیشمندان دیگری نیز به تصحیح فهرست و کتاب شناسی آثار رازی و بیرونی پرداختند و ملحقاتی بر آن افزودند. دکتر محمود نجم آبادی در مصنفات و مؤلفات رازی و بوالو در کارنامه بیرونی از آن جمله اند.^{۲۱}

افزون بر اینها، استاد دانشمند دکتر مهدی محقق به تصحیح و ترجمه فهرست کتاب های رازی و نام های کتاب های بیرونی اهتمام ورزید و به پیوست این اثر ارزشمند، رساله المشاطة لرسالة الفهرست از ابواسحاق ابراهیم بن محمد، مشهور به غضنفر تبریزی را که مهم ترین منبع شناخت زندگی بیرونی است، ضمیمه کتاب نمودند. غضنفر تبریزی هدف خویش را از تدوین المشاطة این چنین بیان می کند:

من می دانم که هر کس مقاله استاد رئیس را مطالعه کند و در آنچه که نویسنده آن از داستان رویای خود یاد کرده و از الهامی که در آن رویا بر مدت عمرش استدلال آورده درنگ نماید، کیفیت آینده آن احوال یعنی کمیّت عمر و زمان رحلت او به نظرش می گذرد. از این روی من صلاح دیدم که به پایان سخن او در آن رساله آنچه را که من از تاریخ ولادت و سنین عمر و وقت وفات و رحلت او به دست

آورده ام، ملحق کنم تا آنکه طالبان آن را از جایی دیگر نجویند، گذشته از آنکه تحقیق آن متعذّر و وصول به آن نسبت به این زمان و این مردم ممنوع است.^{۲۲}

سر سخن را به کتاب های رجالی می کشانیم. در این نوع کتاب ها، هنگامی که مؤلف به شرح سرگذشت خودش مشغول می شود، به فهرستی از آثار و نگاهشته های خویش نیز اشاره می کند. گرچه در اینجا مؤلف قصد ندارد فهرستی برای خویش مهیا سازد، اما به اقتضای خود موضوع، ناخودآگاه فهرستی از آثارش ارائه می شود که بسیار ارزشمند و قابل اعتناست.

ابوالعباس احمد بن علی نجاشی (۳۷۲-۴۵۰ ق) در کتاب رجال النجاشی در ذیل مدخل احمد بن العباس [خودش] این چنین می آورد:

احمد بن عباس النجاشی الاسدی، مصنف هذا الكتاب - اطال الله بقاوه و ادام علوه و نعماه - له كتاب الجمعة و ماورد فيه من الاعمال و كتاب الكوفة و ما فيها من الاثار و الفضائل، و كتاب انساب بنی نصر بن قعین و ايامهم و اشعارهم و كتاب مختصر الانوار و مواضع النجوم التي سمتها العرب.^{۲۳}

او با بیان همین عبارات کوتاه، به چهار کتاب خویش و موضوع آنها اشاره می کند.

شیخ الطایفه ابی جعفر محمد بن طوسی (۳۸۵-۴۶۰ ق) نیز در الفهرست که از کتاب های بزرگ رجالی شیعی محسوب می شود به بیان شرح احوال و آثار نهصد تن از بزرگان علم و دانش می پردازد. وی از فهرست آثار و نگاهشته های شیخ مرتضی (۳۵۵-۴۳۶ ق)، ابن بابویه قمی (ف. ۳۸۱ ق) و شیخ مفید (۳۳۶-۴۱۳ ق) نام می برد و آنها را در میان صاحب نظران و اهل فن مشهور و معروف می داند.^{۲۴} شیخ طوسی با عنایت به فهرست سید مرتضی، کتاب های وی را نقل می کند. آقا بزرگ بر این باور است که این فهرست ممکن است تألیف خود مرتضی باشد و یا شاگرد وی ابوالحسن محمد بن محمد بصروی (ف. ۴۴۳) آن را از کتاب های استادش فراهم ساخته و سید مرتضی بر پشت نسخه آن اجازه روایت برای او نگاهشته است.^{۲۵}

۲۰. به کوشش مهدی محقق، فهرست کتاب های رازی و نام های کتاب های بیرونی، ص ۶۴.

۲۱. همان، مقدمه.

۲۲. همان، ص ۱۹۳.

۲۳. رجال النجاشی، ص ۷۴.

۲۴. الفهرست (طوسی)، ص ۹۹، ۱۵۷، ۱۵۸.

۲۵. الذریعه، ۱۶/۳۸۱.

آنگاه در ضمن سرگذشت خویش به فهرستی از کتاب هایی که تا آن زمان به رشته تحریر درآورده، اشاره می کند:

محمد بن الحسن بن علی الطوسی، مصنف هذا الفهرست، له مصنفات منها كتاب تهذيب الاحكام و هو يشتمل على عدة كتب من كتب الفقه، اولها كتاب الطهارة و كتاب الصلاة و هو يشتمل ... و له كتاب الاستبصار فيها اختلف من الاخبار و هو يشتمل ... و له كتاب النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى و له كتاب المفصح في الاسامة و له كتاب تلخيص الشافي في الامة و له مختصر ما لا يسع المكلف الاخلال به، و له كتاب العدة في اصول الفقه و ... و له كتاب في الاصول كبير خرج منه الكلام في التوحيد و بعض الكلام في العدل.^{۲۶}

ابن جنید اسکافی، محمد بن احمد (ف. ۳۸۱ق) فهرستی برای آثار خودش نگاشته و شیخ طوسی از آن چنین یاد می کند: او فهرست تصنیف های خود را مبوب و گسترده فراهم ساخته و من تمام آن را ذکر نمی کنم.

اما نجاشی در احوال وی در حدود صد و پنجاه عنوان از کتاب ها و رساله های او را با نگاه به آن فهرست می آورد.^{۲۷} شیخ اکبر، محیی الدین بن عربی (۵۶۰-۶۳۸ق) نیز فهرست خودنوشته از آثارش فراهم می آورد و در آن به ۲۴۸ اثر خود توجه می دهد. گرگیس عواد به کتاب شناسی آثار وی می پردازد و تعداد آنها را به ۲۷۹ کتاب و رساله می رساند. این تحقیق در مجله المجمع العربی در دمشق شماره ۳-۴، جلد ۲۹ در سال ۱۹۵۳ به چاپ رسیده است. پس از وی عثمان اسماعیل یحیی تحقیقات جدیدی بر آثار ابن عربی ارائه می کند.

رضی الدین علی بن موسی مشهور به ابن طاوس (۵۸۹-۶۶۴ق) در کتاب الاجازات بکشف طرق المقازات پس از ذکر مقدمات به فهرست آثار خویش چنین اشاره می کند:

... مما الفته فی بدایة التکلیف من غیر ذکر الاسرار و التکشیف. کتاب مصباح الزائر و جناح المسافر ثلاث مجلّدات و من ذلك كتاب فرحة الناس و بهجة الخواطر ... روح الاسرار و روح الاسمار ... منها كتاب فلاح السائل و نجاح المسائل ... و صنفت كتاباً سمّيته البهجة بثمره المهجة ...

بخشی از این فهرست را علامه مجلسی در کتاب بحار الانوار آورده است.^{۲۸}

محمد بن علی رکن الدین گرگانی از شاگردان بارز علامه حلی نیز فهرستی برای نگاشته هایش تهیه کرده که صاحب مقایس الاصول از آن یاد می کند.^{۲۹}

عين القضاة همدانی عارف بزرگ قرن ششم رساله ای به نام شكوه الغریب عن الاوطان الى علماء البلدان برای علمای همدان به عربی تحریر کرد. وی پس از ذکر مصائب و مشکلاتی که برایش پیش آمده، آثار و خدمات علمی خویش را برمی شمارد. آثاری همچون قری العاشی الى معرفة العوران و الاعاشی، المفتلذ من التصريف، امالی الاستیاق فی لیالی الفراق، منية الحیسوب، غایة البحث عن معنی البعث، رساله علانی، نزهة العشاق و نهضة المشتاق، صولة البازل، الامون علی ابن اللبون، المدخل الى العربية و ریاضة علومها الایة.^{۳۰}

ابن طولون (۸۸۰-۹۵۳ق) در کتاب الفلك المشحون فی احوال ابن طولون به ذکر سرگذشت نامه خویش می پردازد، آنگاه فهرستی به ترتیب الفبایی از آثار و نگاشته هایش ارائه می دهد. گویا این اثر در دمشق به چاپ رسیده است.

فخرالدین بن محمد بن طریح (ف. ۱۰۸۵ق) فهرست خودنوشته از آثارش فراهم ساخته که آقابزرگ، نسخه ای از آن را در کتابخانه طریحی در نجف اشرف رویت کرده است.^{۳۱} فیض کاشانی (۱۰۰۶-۱۰۹۱ق) نیز برای آثارش سه بار فهرست تهیه کرده است.^{۳۲}

محمد علی بن ابوطالب مشهور به حزین لاهیجی (۱۱۰۳-۱۱۸۰ق) فهرست بیش از دوست کتاب فارسی و عربی نگاشته های خود را فراهم می آورد. آقابزرگ بر این باور است که عنوان این فهرست «ماجرى به القلم» است. این فهرست بدون هیچ تغییری در کتاب نجوم السماء صفحات ۲۸۳-۲۹۳ چاپ شده است.^{۳۳}

۲۶. همان، ۱۵۹-۱۶۱.

۲۷. قهپایی، مجمع الرجال، ۱۲۷-۱۳۱/۵.

۲۸. بحار الانوار، ۳۷-۴۵/۱۰۴.

۲۹. الذریعه، ۳۸/۱۶.

۳۰. دفاعیات عین القضاة همدانی، ترجمه قاسم انصاری، ص ۷۵.

۳۱. الفهرست، ۳۷۸/۱۶.

۳۲. برای اطلاع از فهرست های سه گانه فیض، ر. ک: کتاب شناسی فیض کاشانی که به اهتمام نگارنده در سلسله انتشارات بنیاد پژوهش های اسلامی در حال چاپ است.

۳۳. الذریعه، ۱۷/۱۹، ۳۷۸/۱۶.